

لطف الله صافی


بسم الله الرحمن الرحیم

رافت در غیبت

نویسنده:

آیت الله العظمی حاج شیخ لطف اللّه صافی گلپایگانی (دام ظله)

ناشر چاپی:

دفتر آیت‌اللهالعظمی شیخ لطف‌الله صافی‌گلپایگانی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رافت در غیبت

مشخصات کتاب

نویسنده: لطف الله صافی

ناشر:لطف الله صافی

فصل اول رافت در غیبت

فصل اول رافت در غیبت

اهداء به بهار دلها و صفای لحظه ها .

..

به قلب طپنده و طپش قلبها .

..

به نور دیدگان و طراوت روزگاران .

..

به آرزوی چشم انتظاران .

..

به امام مهدی صاحب العصروالزمان .

..

وتقدیم به همه دیده براهان ومنتظرانش این قلیل .

..

الحمدللّه رب العالمین وصلی اللّه علی سیدنا محمد وآله الطاهرین .

اللهم کن لولیک الحجهٔ بن الحسن المهدی صلواتک علیه وعلی آبائه فی هذه الساعهٔ وفی کل ساعهٔ ولیا وحافظاوقائدا وناصرا ودلیلا وعینا حتی تسکنه ارضک طوعا وتمتعه فیها طویلا.

اللهم هب لنا رافته ورحمته ودعائه وخیره ما ننال به سعهٔ من رحمتک وفوزا عندک واقبل الینا بوجهک الکریم برحمتک یاارحم الراحمین .

آغاز سخن چندی قبل بود که با دل سوخته ای همراه شدم و او زبان به حکایت گشود و از غربت شمع گفت , و از خلوتش وتنهائیش , از قطرات اشک به دامن چکیده اش , و از سوز دل وشعله سینه اش , و از پروانه های گرداگرد او سخنها گفت , و ازخاکستر عاشقانی که در آرزویش سوخته اند قصه ها خواند.

از خفاشان ناله ها داشت که به ستیز شمع می روند و پروانگان عاشق را می درند, و از زاغها شکوه ها کرد که با گلستان چهامی کنند و بر زیبا گل نرگس چه دشمنیها روا می دارند و نوای بلبلان را با فریاد زشتشان درهم می شکنند, و با سیاهی قلبشان پرده بر رخ گل می کشند, تا شاید قمریان ترانه ها از یاد برند وبلبلان شور و نوا را و...

با خود گفتم : سر به صحراها می گذارم و دشتها را می پیمایم وحکایت غربت گل را به همه می گویم و ناله مظلومیش را به همه جا می رسانم و دیوانگان عشقش را به نصرتش می خوانم ,اما صد افسوس که پایم رنجور و سینه ام تنگ و ناله ام لرزانست و

این دل شب گرگ صحرا فراوان و .

..

اگر به انتظار صبح می نشستم غربت گل آزارم می داد و سوزسینه بلبلان جانم را می سوخت , این بود که متحیر شدم چکنم و چگونه عقده از دل بگشایم و پرده از رخ یار برگیرم و رقیبانش را رسوا کنم و دوستانش را برق امید بخشم و شمیمی ازدوست بر منتظران ارمغان آورم .

در این غوغا بودم که عزیزی شعله ای در تاریکی حیرتم افروخت و دلم را بر کلام نغزش دوخت و از پی آن دست برقلم بردم تا آنچه از زیبا گل نرگس شنیده ام به تصویر کشم .

..واینگونه سخن آغاز گردید که : بسیاری شاید این سخن را شنیده اند و از ترس بر جان خودلرزیده اند که دوازدهمین امام - ارواحنا لتراب مقدمه الفداء - آن زمان که ظهور می کند بیشتر مردم دنیا را می کشد و جوی خون به راه می اندازد و از کشته ها پشته ها می سازد و نفس را درسینه ها قطع می کند و قیام او برای عذاب و عقوبت مردم است و...

هزاران حرف دیگر که حجابی بر حجابهای او می افزاید وسدی افزون بر آنچه که هست بر روی مردمان می کشد تا هرگزنور جمالش را نبینند و به فیض ظهورش نرسند و او بیش ازپیش در غربت خود بماند و از فراق دوستان بنالد, و آنچه ازهمه بیشتر قلب محبانش را می آزارد آنکه این سخنان از کسانی به گوش می رسد که دعوی ارادت و محبت به او می کنند و بااین همه دام بر کبوترانش می گسترند و ریسمان به پای آنان می بندند تا هرگز گرد بام او نپرند و نامش را بر زبان نبرند.

بدین جهت به پیشنهاد یکی از سروران تصمیم گرفتم تا به جمع آوری بعضی روایات و اخبار پیرامون رافت و عطوفت آن مهربان امام بپردازم , شاید بتوانم قطره ای از آن چشمه سارمحبت را پیمانه کنم و موجی از آن خروشان رافت را جاری سازم , بدان امید که تشنه گان معرفتش قدری سیراب شوند وشیفتگان طلعتش واله و شیدا.

و آنانکه ترسان از قهر اویند دل به عفوش بندند و مهر لب بشکنند و زبان به نام دلکش او باز کنند تا حلاوت یادش جانشان را زنده کند و مرغ روحشان را پرواز دهد شاید بر بام خانه اش بنشینند و از خوان قربش دانه ها برچینند.

و سرانجام این صفحات جمع آوری گردید و اکنون به محضردوستانش تقدیم می گردد, امید که در نظر کریمانه آن ولی اعظم مقبول افتد که این بضاعت مزجاتی است که به محضرآن عزیز آورده ایم و کمتر از بال ملخیست که به ساحت اقدسش عرضه می داریم و آستان ملک پاسبانش بوسیده و .

..می گوییم : (یا ایها العزیز مسنا واهلنا الضر وجئنا ببضاعهٔ مزجاهٔ فاوف لناالکیل وتصدق علینا ان اللّه یجزی المتصدقین).

ای سلیمان موری آمد بر درت ----- رد مکن او را به جان مادرت ای که صدها چون سلیمان مور تست ----- چون کلیم اللّه بسی در طور تست تربت پاک کریمه اهل البیت (ع) قم , محمدحسن شاه آبادی فصل اول رافت در غیبت کویر غیبت چنین باید گفت که روزگار غیبت , دوران ظلمت ومحرومیت است , بر تمام آنهائی که امام (ع) از آنان غائب است و یا آنکه بهتر بگوئیم اینان از او مهجورند.

اگر نیکو بنگریم و تا حدی بیندیشیم و عظمت نعمت حضورامام (ع) را تا حدی بیابیم , خواهیم فهمید که دوران غیبت چه دوران رنجبار و طاقت فرسائیست و حضرت امام رضا(ع)از آن دوران و مؤمنان در آن زمان چنین یاد می فرمایند: وکم من مؤمن متاسف حیران حزین عند فقد الماءالمعین .

((۱)) چه بسیار مؤمن دل سوخته ای که در فقدان آب گوارا در حیرت و حزن به سر می برد.

آن حضرت چه زیبا محرومیت زمان مستوری را به تصویرمی کشد که مؤمنان چون تشنگانی که از جرعه ای آب گوارا منع می شوند در پنجه حرمان بسر خواهند برد, آن آبی که برای همگان است و ضروریترین ماده حیات , و به راستی امام زمان ارواحنا فداه

چنین است و دوران غیبت نیز چنان .

پس چه خواهد کرد پروانه در غیبت شمع و چه سازد آن پرسوخته در فراق شعله عشق , و چگونه صحبت گل را به فراموشی سپارد و بلبل چگونه شور سر دهد و آن گمشده تاریك سرای غیبت , راه از که جوید و در کدامین منزل آرام گیرد.

آنانکه در محضر نور نشسته اند حال و هوای تاریکی را می دانندو آنها که لذت حضور را چشیده اند طعم تلخ هجران را درک می کنند.

کوتاه سخن غیبت امام زمان (ع) دوری از تمام خوبیهاست , و در پرده بودن تمام روشنائیهاست , آری , شب سرد غیبت هنگامه به چاه افتادنهاست , شب سرد غیبت گاه لرزیدنها و ترسیدنهاست , شب سرد غیبت بحبوحه گریستنها ونالیدنهاست , و شب سرد غیبت وقت بی خوابی و بی آسایشی است , شب سرد غیبت زمان رنجوری پروانه هاست ,پروانه گانی که در جستجوی نورند نه چون خفاشان کور .

..

شب سرد غیبت را نمی توان معنی کرد مگر در پگاه ظهور,آنگاه که به تماشای سپیده دم می نشینیم , خواهیم گفت که دیشب چه بود و چگونه گذشت .

عصر غیبت عصر محرومیت از چشمه گوارای ولایت است وروزگار غیبت دوران پرده نشینی یار و محجوبی جمال و کمال اوست , و باید گفت که روزگار غیبت امام عصر(ع)هنگامه دوری از چشمه سار معرفتش و زلال هدایتش , دوران مستوری او با تمام صفات زیبایش , همان گونه که خود در پرده غیبت نشسته است و مردمان محروم از دیدار اویند, صفات حسنایش نیز محجوبند, و هر آنچه از تشعشع خلق و خوی اودیده می شود از پس ابر سیاهی است که بر چهره آفتاب افتاده و تابشی است از میان روزنه های پرده هجران و چه زیباست آن لحظه که این پرده برافتد و (واشرقت الارض بنور ربها) ((۲)) معنی شود.

حال که گفتیم در عصر غیبت همانگونه که صورت زیبای امام (ع) مستور است سیرت والای او نیز محجوب , مگرشعاعی از آن مجلای انوار الهی که از روزنه ای می تابد, اکنون به تماشای قطره ای از رافت بیکران امام عصر ارواحنا فداه درعصر غیبت می نشینیم شاید بتوان تصویری از ظهور مهرش رابر پرده دل کشید.

غمخوار شیعه متاسفانه از آنجا که امام زمان ارواحنا فداه از دیده ها پنهانندو در نتیجه برای همه امکان دسترسی به آن حضرت ممکن نمی باشد مگر دوستان خاص و خالص که از فیض ملاقات بهره مند می شوند و از مصاحبت با او لذت می برند ولی آنان نیز مصداق این سخنند: آنکه را اسرار حق آموختند ----- قفل کردند و دهانش دوختند و اگر آنها نیز با حضرتش بنشینند اظهار نمی کنند و اگر چیزی ازاو بشنوند فاش نمی سازند و اگر جز این بود به خوان قربش ضیافت نمی شدند...

و آن گونه تشرفات و آستان بوسیها که به ما رسیده است برای اتمام حجت بر غافلان و تحکیم رشته محبت در دل دوستان اوست که مایوس نشوند و دست از طلب نکشند و سرمشق جان کنند این غزل را: دست از طلب ندارم تا کام من برآید ----- یا تن رسد به جانان یا جان زتن برآید بگشای تربتم را بعد از وفات و بنگر ----- کز آتش درونم دود از کفن برآید اما به هر حال آنچه دیده شده است نیز شعاعی است از آفتاب جمالش و هر آنچه را نقل کرده اند مصرعی است از دیوان فضائلش و صد افسوس که بسیاری از اخبار و آثار ما نیز بدست دشمنان نابود گردیده و یا از ترس نااهلان با سینه ها به خاك رفته است .

..

اکنون به جستجوی اخبار و آثار می پردازیم تا چراغی بیابیم برای رهجویان .

شیخ طوسی (ره) در کتاب [الغیبهٔ] نقل می کند که ابن ابی غانم قزوینی با عده ای از شیعیان در این باره که حضرت امام عسکری (ع) آیا فرزندی از خود باقی گذارده تا جانشین اوباشد مشاجره کردند و او مدعی شد که آن حضرت از دنیا رفت و

فرزنـدی از خود به جـای نگـذاشت , شـیعیان نیز عـریـضه ای به ملجـا و مـاوای خود نوشـتند و عرض حـال بـا صـاحب و آقای خود نمودنـد و از آن ساحت اقـدس ارواحنا فـداه نیز جواب چنین صادر گردیـد: انـه انـهـی الی ارتیاب جماعهٔ منکم فی الدین ومادخلهم من الشک والحیرهٔ فی ولاهٔ امرهم فغمنا ذلک لکم لا لنا وساءنا فیکم لا فینا, لان اللّه معنا فلا فاقهٔ بنا الی غیره .

((۳)) هـمـانـا رسیده است بر مـا اینکه عـده ای از شـما دردین خود به تزلزل افتـاده و شک و حیرت نسبت بـه اولـی الامـرشـان بـه آنـهـا هجوم آورده ایـن مطلـب مـا رامغمـوم سـاخته , البته برای شـما نه برای خـودونـاراحـت شــده ایـم بـه خـاطر شـما نه به خـاطر خود,چون خدا با ماست و احتیاجی به غیر او نداریم .

امـام زمـان (ع) از تـزلزل و تحیر دوسـتانش غمنـاک می شـود ودریـای رافـت او چـون دوسـتانش را بـه ورطـه بـلاـ مـی نگـردمی خروشـد, و نه تنها حزن و انـدوه خود را اظهار می کند بلکه ازشدت محبت خود به آنها این چنین پرده برمی دارد که : غـم و انـدوه مـا بـه خـاطر شـماست و از اینکه عده ای در اولوالامرخود شک کرده اند و به ضـلالت کـشـیـده شـده اند محزونیم نه ازبرای خود, چون خدا با ماست و حاجتی به غیر او نداریم تا ازجدا شدن جماعتی مغموم شویم .

پـدر دلسوز اگـر به کلاـم آن حضـرت بـاز گردیم می بینیم که آن امـام رئوف از شک و تزلزل دوسـتانش که همه ناشـی از تحیری اسـت که از غیبت آن عزیز حاصـل شـده , رنـج می برد, چرا که به فرمـوده حضـرت علی بن موسـی الرضـا(ع): الامـام , الانـیـس الـرفـیـق , والـوالد الشـفیق , والاخ الشقیق , والام البرهٔ بالولد الصغیر, مفزع العباد فی الداهیهٔ الناد. ((۴)) امـام انـیسـی است رفیق , و پدری است دلسوز, امام آن برادری است که چون دو نیمه خرما بهم متصل باشـند, و امام آن مادر مهربانی است که به فرزندخردش محبت می کند, و امام پناه مردم در واقعه هولناک است .

در کلام آن حضـرت بایـد به نیکی تدبر نمود و آن جام لبریزاز زلال وحی را با آرامی نوش جان نمود که کلام امام را فهمی ازامام باید.

کـنـون در محضـر انوار رضوی زانوی ادب بزنیم و نظاره کنیم که چه زیبـا آن حضـرت پرده از رافت امـام بـرمـی گـیـرد و آن برتر ازمعنا را به پیمانه الفاظ کیل می کند و جانها را به تماشامی نشاند, نـخسـت او را بـه صـاحـب انـســی , رفیق مانند می کند که در انسـش کوتاهی نمی ورزد و رفاقت بـی ریـایـش مـالامـال ازمحبت است , دیگر باره این مقام را با تعبیری عمیقتر به تصویرمی کشد و رافتـش را بـه پـدری دلسـوز تشبیه می کنـد که از هیچ هدایت و ارشاد دریغ نمی ورزد که قطعا عطوفت و لطف پدر ازمحبت و انس رفاقت برتر است .

امـا لـطف امـام ارواحنـا فـداه فوق اینهـاست , چون برادری است که همراه انسـان و توامـان با او به دنیا آمـده است آنگونه که یکی بوده اند مثل دانه خرما و سـپس دو نیم گشته اند, گویی انسان راجزئی از خود می داند و اینسان مهر می ورزد, محبانش راجدای از خود نمی بیند و رعیتش را اجزای خود می انگارد.

خروش محبت مـی تـوان وحـدت و یگـانگی حضـرت بقیـهٔ اللّه ارواحنـا فـداه بادوسـتانش را, از نـاله هـای سوزان سـحرش به خوبی دریافت که سید اجل قدوهٔ العارفین ابن طاووس (ره) می گوید: سـحر گـاهـی در سـرداب مـقـدس آن حـضرت در سامره نوای آن عزیز را شـنیدم که می نالیـد و می فرمود: اللهم ان شـیعتنا خلقت من شـعاع انوارنا, وبقیـهٔ طینتنا. ((۵)) پروردگارا, شـیعیان ما از پرتو انوار ما خلق شده اند واز زیاده گل ما سرشته گردیدند.

می بینید که چگونه رافتش می خروشد و چشـمه مهرش می جوشد و دوسـتان خود را از خود می داند و به آن تصـریح می کند که آنها از انوار ما خلق شده اند و از اضافه گل ما آنهاسرشـته گردیده اند و از ایـنـجـاســت کـه هـر گـاه مصـیبتی بردوستانش وارد می شود قلب او متاثر می گردد و از حزن آنان محزون می شود و به درد آنها دردمند, که این مطلب را ابی ربیع شامی از امام صادق (ع) چنیـن نقــل می کنــد: قـلـت لاـبـی عـبـداللّه (ع): بـلـغـنـی عـن عـمـرو بـن اســحـاق حـدیث فقـال : اعرضـه , قـال : دخـل علی

امیرالمؤمنین (ع) فرای صفرة فی وجهه , قال : ماهذه الصفرة ؟ فذکر وجعا به .

فقال له علی (ع): انا لنفرح لفرحکم , ونحزن لحزنکم , ونمرض لمرضکم , وندعو لکم , فتدعون فنؤمن .

قال عمرو: قد عرفت ما قلت , ولکن کیف ندعوفتؤمن ؟ فقال : انا سواء علینا البادی والحاضر.

فقال ابوعبداللّه (ع): صدق عمرو. ((۶)) به امام صادق (ع) عرض کردم حدیثی از عمرو بن اسحاق به من رسیده است , فرمود: بیان کن .

گفتم :عمرو گوید: وارد بر امیر مؤمنان (ع) شدم و حضرت در صورت من زردی مشاهده کرد, فرمود: این زردی چیست ؟عرض کردم : به مرضی مبتلا بودم .

فرمود: ما با شادی شما شاد می شویم , و از غم شمااندوهناکیم , و از مریضی شما مریض می گردیم , وبرای شما دعا می کنیم پس شما دعا می کنید و ماآمین می گوییم .

عمرو گوید: گفتم : آنچه فرمودی فهمیدم , اماچگونه بر دعای ما آمین می گویید؟ فرمود: برای ما مسافت دور و نزدیک فرقی ندارد.

امام صادق (ع) فرمودند: راست گفت عمرو.

و از طرف دیگر هم وجود مقدس حضرت مهدی ارواحنافداه نیز هر گاه محزون می شوند و قلب مبارکشان به درد می آید,گوئی شیعیانش را مصیبتی وارد شده و همه سر در زیر بال غصه می برند, همان گونه که امام صادق (ع) از پدران گرامیش (ع) از امیر مؤمنان (ع) نقل می فرمایند: .

. .

ان اللّه تبارک وتعالی اطلع الی الارض فاختارناواختار لنا شیعة ینصروننا ویفرحون لفرحنا,ویحزنون لحزننا, ویبذلون اموالهم وانفسهم فینا.... ((۷)) خداوند تبارک و تعالی توجه بر زمین فرمود ما رااختیار کرد و برای ما شیعیانی برگزید که ما را یاری می کنند و با شادی ما شاد می شوند و از حزن مامحزون می گردند و در راه ما مال و جان خود را بذل می نمایند.

اگر بر فرض توجه شیعیان به آن عزیز ناشی از احتیاج ونیازی است که به او دارند پس این همه بذل عنایت بر دوستان و شیعیان از طرف آن ناحیه مقدس به چه جهت و منظوری می باشد و آیا آن امام که قطب عالم هستی و محور جهان آفرینش است احتیاجی بر غیر ذات حق دارد؟ که خود نیزفرمودند: لان اللّه معنا فلا حاجة بنا الی غیره .

((۸)) بدرستیکه خداوند با ماست پس حاجتی بر غیر اونداریم .

پس این ارتباط و دلبستگی آن حضرت به شیعیانش ازکدامین چشمه سار نشات گرفته و نشان از چیست ؟ جز آنکه جوشش رافتی است که سینه پر مهرش آن را انباشته کرده وخروش محبتی است که قلب از هستی برترش مالامال اوست .

فصل دوم ظهور رافت

فصل دوم ظهور رافت

ان من تکفل بایتام آل محمد المنقطعین عن امامهم , المتحیرین فی جهلهم , الاسراء فی ایدی الشیاطین وفی ایدی النواصب من اعدائنا,فاستنقذهم منهم , واخرجهم من حیرتهم , وقهرالشیاطین برد وساوسهم , وقهر الناصبین بحجج ربهم و دلیل ائمتهم لیفضلون عند اللّه تعالی علی العابد بافضل المواقع , باکثر من فضل السماء علی الارض والعرش و الکرسی والحجب علی السماءوفضلهم علی هذا العابد کفضل القمر لیلة البدر علی اخفی کوکب فی السماء. ((۱۸)) همانا آنکه یتیمان آل محمد(ع) را سرپرستی کند,آنهائی که از امامشان دورند و در جهلشان متحیرندو در دستان شیاطین و دشمنان ناصبی ما اسیرشده اند, پس آنها

را از چنگال دشمنان نجات بخشند و از حیرت خارجشان کنند و از سلطه شیاطین با رد نمودن وسوسه هایشان بیرون آورند واز یوغ نواصب با برهانهای پروردگار و دلیلهای امامان نجاتشان دهند, نزد خداوند فضلشان برتراست از مردان عبادت پیشه در بالاترین درجات ,مثل برتری آسمان بر زمین , و عرش و کرسی وحجب بر آسمان , و فضل اینان بر عابد مثل فضیلت ماه در شب چهارده بر کم نورترین ستاره آسمان است .

حضرت امام کاظم (ع) می فرمایند: فقیه واحد ینقذ یتیما من ایتامنا, المنقطعین عناوعن مشاهدتنا بتعلیم ما هو محتاج الیه اشد علی ابلیس من الف عابد. ((۱۹)) یک دین شناس که یتیمی از ایتام ما را دستگیری کند, آنهائی که از ما دورند و از مشاهده ما محروم ,و به او تعلیم کند آنچه را به آن محتاج است , برابلیس از هزار مرد عبادت سختتر است .

این چند شاخه گل از بوستان رافت امام (ع) نسبت به عزیزان خود بود که در عصر غیبت چگونه نسبت به فرزندانی که از او جدا افتاده اند توصیه و سفارش می فرماید, اما آنچه نقطه عطفی است بر این مبحث , فقره ای از دعای عبرات است که در توسل به وجود مقدس آن امام عزیزتر از جان و آن ولی مطلق دوران ارواحنا لتراب مقدمه الفداء چنین عرضه می دارند: واتقرب الیک بالحفیظ العلیم الذی جعلته علی خزائن الارض , والاب الرحیم الذی ملکته ازمهٔ البسط والقبض .

. .

الذی یظهر فی بیت اللّه ذی الاستار العالم المطهر محمد بن الحسن .

((۲۰)) (پروردگارا,) تقرب می جویم به تو به وسیله آن حفظ کننده دانا, آن کسی که بر گنجهای زمین او رامسلط کرده ای , و آن پدر مهربانی که زمام امور را به دستش سپردی .

. .

آن ابرمردی که در خانه خدا که پرده ها در آن آویخته است , ظاهر می شود عالم پاکیزه محمد بن الحسن .

و به حق , او پدری دلسوز و مهربان است که سحاب رحمتش دلهای خسته مشتاقان را سیراب می کند و چشمه های صفا و جوانمردی از انگشتانش می جوشد, و این چنین است که شیفتگانش هر جمعه ناله ها می کنند و ضجه ها می کشند والتماسها می کنند و لطف خاص پدر مهربان خود را می طلبندکه : اللهم .

. .

هب لنا رافته ورحمته ودعائه وخیره ما ننال به سعهٔ من رحمتک وفوزا عندک .

((۲۱)) بار پروردگارا, .

. .

بر ما رافت و رحمت و دعا و نیکی او را (حضرت مهدی ارواحنا فداه) عنایت فرما, به آن مقدار که بزرگی رحمتت را نائل شویم و در نزد توفائز و رستگار گردیم .

اینان می دانند که برای رسیدن به رحمت عظمای الهی که مختص خواص از اولیاءاللّه است , رافت آن بزرگوار لازم است ,و برای سر بلندی در پیشگاه اقدس حضرت حق دعای خیر آن پدر دلسوز را باید, زیرا هر که را نیکی و احسان آن عزیز شامل شد به رحمت کبری نائل گشته و آنکه را دعای خیر او بدرقه راه شد به مقام (ورضوان من اللّه اءکبر) ((۲۲)) واصل گردیده است .

و بیتی دیگر از دیوان رافتش را چنین سروده اند: قال رسول اللّه (ص):

. .

یا فاطمهٔ , والذی بعثنی بالحق ان منهما مهدی هذه الامهٔ .

. .

وهو اعظم حسباواکرم منصبا وارحم بالرعیة واعدلهم بالسویة .

((۲۳)) رسول گرامی (ص) فرمودند: .. .

ای فاطمه , قسم به آنکه مرا به حق برگزید از این دو (امام حسن و امام حسین (ع)) مهدی این امت به وجود می آید و او ازهمه حسبش بزرگتر و مقامش گرامی تر است و او ازهمه بر مردم مهربانتر و از همه عدالتش بیشترمی باشد.

اینجای سخن است که دلهای سخت بی اختیار کرنش می کند, و گردنهای برافراشته خم می گردد, قلبهای سرد و بیجان به طپش می آید, و در سینه های تنگ و تاریک ناامیدان شعاع امید پرتو می افکند, و اینجاست که انسان گرمی محبت او رالمس می کند و به او دل می بندد و به کمالش عشق می ورزد وسخن کوردلان بی مغز قلبش را آزرده می کند که بر آفتاب مهرش نقابی از خون می زنند و بر سیمای خندان لطفش پرده نفرت وخشم می کشند.

اکنون ای همراه همدل , آنچه شنیده ای از قتل و غارتها واز آتش و قهرها, از خشم و نفرت و از ذلت و از اسارت ودیگرها .

. .

همه پرده بغض و کینه ایست که خفاشان نورستیز برجمال آفتاب می کشند و سیرت کریه گرگان میش گونه ایست که زشتی درونشان را چنین اظهار می کنند و عاقبت شومی است که خود به انتظارش نشسته اند, نه روز پایان انتظارها و گریه ها,و نه وقت شادیها و هلهله ها, و نه هنگام حلقه زدن بر گردعزیزی از سفر آمده و .

..

آن زمان است که رافت غائب به صحنه ظهور می آید و آنچه تاکنون مجال بروز و ظهور نداشته خودنمائی خواهد کرد وچنین باید گفت که : ظهور زیباست , چون ظهور زیبائیهاست .

حال جای این سخن باقی است که آیا وجدان انسانهای بیداراین همه رافت و محبت را به دیده اغماض می نگرد؟ و آیادوستان او فطرت خویش را زیر پا می نهند و در صدد جبران اینهمه احسان برنمی آیند؟ و اگر او بواقع یک انسان عادی بودنباید لطف او را جواب داد؟ حال که امام و ولی نعمت است !...

پس باید در صدد شکر برآمد اگر چه همگان از شکرش عاجزند لیک آنچه قلب انتظار کشیده اش را خشنود می سازد ومرهمی بر جگر مجروح اوست و شاید بتوان با آن , دل رنجیده اش را شاد نمود, دعا و درخواست ظهور آن غریب ونجاتش از زندان غیبت است و بعید به نظر نمی رسد که این وظیفه رنگ وجوب بخود گرفته باشد چنانچه بعضی روایات به آن اشاره می نمایند.

به عنوان نمونه سخنی را که امام مجتبی (ع) به یکی از بزرگان در عالم خواب یا مکاشفه فرموده اند نقل می کنیم با توجه به این نکته که دیدن ائمه هدی (ع) در خواب یا مکاشفه ازرؤیاهای صادقه می باشد.

[حضرت امام حسن مجتبی (ع) در عالم خواب یا مکاشفه به مرحوم آیة اللّه میرزا محمد باقر فقیه ایمانی فرمودند: در منبرهابه مردم بگوئید و به آنان دستور دهید توبه نموده و درباره تعجیل ظهور (حضرت) حجت (ع) دعا نمایند .

دعا برای آمدن آن حضرت مانند نماز میت نیست که واجب کفائی باشد و باانجام دادن عده ای از دیگران ساقط شود, بلکه مانند نمازهای پنجگانه است که بر هر فرد بالغ واجب است برای ظهور امام زمان (ع) دعا کند]. ((۲۴)) ما نیز سخن دل چنین با حضرت می گوئیم : گل همیشه بهارم , خدا کند که بیائی فصل دوم ظهور رافت رافت بر تخت ظهور اگر آنها که درک کاملی از روایات ندارند نیز در این اقیانوس شناور شوند و اخبار و احادیث دوران ظهور [نور علی نور] را تاملی نمایند, خواهند دید آنکه در پرده غیبت بود وپدر مهربانش می خواندند و دستان پرمهرش به غل هجران بسته , طبیب دلسوزش می نامیدند و به صحرای غربت حیران ,مادر عشقش می گفتند, اکنون که به تخت ظهور تکیه کرده چه باید نامیدش ؟ و به چه خواندش و چگونه توصیفش نمود و به که مانندش کرد؟...

فقط آن زمانه را آنها که می بینند باید به تعریف بنشینند که از هرچه بگوئی برتر است و آن روزی است که زمین جلوه گاه انوارپروردگارش می شود و نور افشان مهر او می گردد, آنسان که هم آغوشان حور و مسندنشینان قصور, زاهدانه دست رد به سینه بهشت می زنند و حسرت بازگشت به دنیا را می خورند واینجاست که زمین و زمینیان رشک حور و غلمان می گردند وعاشقان سر از گریبان خاک بیرون می کنند و مست تاجگذاری رافت می شوند و زندگان فریاد می کنند رفته گان را که : برخیزیدو آرزو می کنند که ای کاش آنها زنده شوند ((۲۵)) و آن زمان مؤمنان به آرزوی دیرینه خویش می رسند که می گفتند: متی ترانا ونراک وقد نشرت لواء النصر تری , اترانانحف بک وانت تام الملا. ((۲۶)) کی می رسد آن زمان که تو را نظاره کنیم و تو ما رابنگری در حالی که پرچم نصرتت برافراشته شده ,آیا می شود که تو ما را بنگری در حالی که بر گرد توحلقه زده , تو را در میان خود گرفته باشیم و تو امام همه باشی .

حضرت پیامبر اکرم (ص) نیز این صحنه را چنین تصویرمی فرمایند: تاوی الیه امته کما تاوی النحل الی یعسوبها,یملاالارض عدلا کما ملئت جورا حتی یکون الناس علی مثل امرهم الاول , لایوقظ نائما, ولایهریق دما. ((۲۷)) مردم مانند زنبوران که به پادشاه خود پناهنده می شوند به سوی او (حضرت مهدی (ع)) پناه می برند و آن طور که زمین از ظلم و جور پر شده آن را مملو از عدل می کند تا جائی که مردم مانند اول شوند, خوابیده را بیدار نمی کند و خونی رانمی ریزد.

باید این شتاب مردم به سوی آن بزرگوار و آغوش گشودن آن حضرت به روی مردم را دلیل وسعت رافت آن وجود نازنین گرفت , و حاکی از رویدادی دانست که نظیر آن از رسول گرامی (ص) در روز فتح مکه مکرمه دیده شد که از جانب آن حضرت منادی فریاد کرد: امروز روز عفو و بخشش است .

و این گرایش شدید مردم نسبت به آن حضرت را تحلیلی جزاین مطلب نمی توان نمود, زیرا توجه و اقبال مردم به آن حضرت در حالی است که آنان همان اکثریتی هستند که جامعه ظلم و جور را تشکیل داده و موجب فساد و تباهی زمین شده اند, و همه آنها به نوعی مستحق عقوبت یا قصاص و یاحدی از حدودند, و در این صورت است که فقط خواص ازدوستانش باقی می ماند و بقیه از شمشیر قهرش خواهندگریخت .

اما واقعیت مطلبی دیگر است , بلکه هر آن کس که از ماء معین دور افتاده و مبتلا به گنداب جهلها و تزویرها شده و سوزعطش خود را به مردابهای نفاق و ضلالت تسکین داده و دردگرسنگی را به مردارها آرام نموده , از دیو تنهائی به صحبت زاغ و زغن پناه آورده و آن قدر در قفس حرمان مانده که رنگ و بوی گل از یاد برده و از همه اینها خسته شده است و...

اوست که قدر بهار را می داند و چون بهار دلها آید به استقبالش می رود و طراوت روزگاران را به نقد جان می خرد, او دردهجران کشیده و سردی خزان دیده از یوغ طاغوتیان سوزهاداشته و از سیاهی زاغان خون دلها خورده , به همین جهت به او پناهنده می شود همچون زنبوری که به سلطان خود پناه می برد.

اگر به قسمتی دیگر از این روایت دقت شود واضح می گردد که حضرت عمدتا این بشر دور از هدایت را به راه مستقیم می کشاند و کمر به تربیتش بسته به آنجائی باز می گرداند که ازآن جدا شده و به آن فطرت زلالی رجوعش می دهد که از هرگونه آلایش پاک بوده و او را به تماشای حقایق در آن آیینه صاف وا می دارد.

عفو بیکران و باز نسیم جانبخش رافت آن والی والا از این روایت استشمام می شود و دلیلی دیگر بر عفو بیکرانش در آن به چشم می خورد و پرده ای دیگر از مهر و محبتش در برابر دیده حق طلبان آویخته می گردد که آن کلامی است از حضرت امام محمد باقر(ع) که می فرمایند: وتجمع الیه اموال الدنیا کلها من بطن الارض وظهرها فیقول الناس : تعالوا الی ما قطعتم فیه الارحام , وسفکتم فیه الدماء الحرام , ورکبتم فیه ماحرم اللّه عزوجل فیعطی شیئا لم یعطه احد کان قبله .

((۲۸)) تمام ثروت دنیا از آنچه در دل زمین یا بر روی آن است در نزد او (حضرت مهدی ارواحنا فداه) جمع می شود, پس ندا

می کنـد مردم را که : بیائید به سوی آنچه برای آن قطع رحم کردید و خون نـاحق ریـخـتـیدو حرام خداوند را مرتکب شدید, پس بخششی می کند که احدی قبل از او چنین نکرده باشد.

می بینیـد که امام (ع) چگونه خطاکاران را مورد خطاب قرارمی دهد و نه تنها از تقصیرشان اغماض مـی فـرمـایـد بلکه از عطاءوافر خود محرومشان نمی کند و آن گونه که دیگران انجام نداده اند آن بزرگوار ارواحنا فداه بخشش می نماید.

پس مخاطبـان این کلام رحیمـانه همان اکثریتی هستند که جوامع را تشکیل داده و از روی نادانی و فـقـدان تـربـیت الهی آلوده به گناهان شده اند و اکنون به دامن مهر امام زمان خودافتاده و عذر می طلبند و عفو بیکران او نیز شامل حالشان شده است .

البته شاید آنانی که حقوق مردم را تضییع کرده اند و یا خونی به ناحق ریخته اند و ولی دم را راضی ننموده اند مشمول این خطاب نباشند و در محکمه عدل آن حضرت ملزم به اداء دین خود گردند.

اما همـانگونه کـه گفتـه شـد زمـان ظهـور, عرصـه بروز کامـل رافت است بنـابراین بعیـد به نظر نمی رسـد کـه حـضـرت بـقیـهٔ اللّه ارواحنافـداه از اینـان نیز شـفاعت کنـد و از گذشـته آنـان اغمـاض نمایـد و اورا مـشــمـول رافت عـامش قرار دهـد و حقوق مردم را خودبپردازد و دیه کشـتگان را ادا نمایـد و دلهـای آنـهـا را بـه آنچه خشـنود می شونـد راضـی کنـد تـا از حق خود بگذرنـد و قـاتل راحلال در دنیـا و آخرت نماینـد, البته این مطلب اگر چه اسـتبعادی در آن دیـده نمی شـود بلکه می تـوان از بعضـی روایـات بـاب شفاعت برای آن استدلال نمود.

حضـرت امام صادق (ع) می فرماینـد: اذا کـان یـوم الـقیامهٔ وکلنا اللّه بحساب شـیعتنا, فما کان للّه سالنا اللّه ان یهبه لنا فهو لهم , وما کان لـلادمـیین سالنا اللّه ان یعوضـهم بدله فهو لهم , وما کان لنا فهولهم , ثم قرا: (ان الینا ایابهم ثم ان علیناحسابهم) ((۲۹)) .

((۳۰)) زمـانـی کـه روز قـیامت فرا رسد خداوند ما را ماموررسیدگی به حساب شیعیانمان می کند پس آن گـناهانی را که حق اللّه است مـا از خداونـد درخواست می کنیم تا به ما ببخشـد پس این حقوق به شـیعیان بخشـیده می شود, اما حقوق مردم را از خـدامی خواهیم تا به صاحبان حق عوض عطا کند, آنـهـانـیـز بـخـشیده خواهد شد و اما حقوق خود را نیز به آنها می بخشیم .

سپس این آیه را تلاوت فرمود:بدرستی که بازگشت آنها به سوی ماست و برماست حساب آنان .

و در بعضی اخبار از روز ظهور حضرت بقیهٔ اللّه الاعظم ارواحنا فداه به روز قیامت صغری نیز تعبیر شده است .

علاوه در مناجاتی که از آن یاد کردیم آن امام رئوف و آن پـدرعطوف چنین فرموده انـد: الـلـهـم ان شـیـعـتـنـا خـلـقت من شـعاع انوارنا, وبقیـهٔ طینتنا, وقد فعلوا ذنوبا کثیرهٔ , اتکالا علی حـبناوولایتنا, فان کانت ذنوبهم بینک وبینهم فاصـفح عنهم , فقد رضـینا, وما کـان منهـا فیمـا بینهم فـاصـلـح بینهم , وقـاص بهـا عن خمسـنا, وادخلهم الجنـهٔ ,وزحزحهم عن النار, ولاتجمع بینهم وبین اعـدائنافی سخطک .

((۳۱)) پـروردگارا, شیعیان ما از پرتو انوار ما خلق شده اند واز زیاده گل ما سرشته گردیدند و گناهان زیادی را بااتکاء بر محبت ما و ولایت ما انجام داده انـد, پس اگرآن گناهانی که بین تو و آنهاست از آنـهـا چـشم پوشـی فرما چون ما راضـی شدیم , و آنچه در بین خودانجـام داده انـد نیز بین آنهـا اصـلاح فرمـا و از خـمس مـاجبران نمـا و داخـل بهشت , و دور از جهنمشان بـدارو بین آنها و دشمنان ما در عذاب و سخطت جمع مفرما.

در این مناجات حضـرت امام زمان ارواحنا فـداه طلب عفو وآمرزش برای دوسـتانش می کنـد و آنچه از حق مردم بر عهـده دوسـتان است از خداونـد می خواهـد تا از خمس اموال که حق آن بزرگوار است جبران نمایـد و این روایت گرچه برای اثبات مـدعی کافی است لکن حدیثی را می آوریم که حکایت از این واقعه در زمان ظهور آن حضرت دارد.

حضرت امام محمد باقر(ع) می فرمایند: ثم یقبل الی الکوفهٔ فیکون منزله بها فلایترک عبدامسلما الا اشتراه واعتقه ولا غارما الا قضی دینه , ولامظلمهٔ لاحد من الناس الا ردها.. .

. ((۳۲)) سپس (حضرت مهدی ارواحنا فداه) روی به کوفه می آورد و آنجاست منزل او, پس هر غلام مسلمانی را خریده و آزاد می کند و مقروضی نیست مگرآنکه قرضش را ادا می کند و مظلمه های مردم را ردمی نماید.

فصل سوم فرجام کار

فصل سوم فرجام کار

مردی از موالی که نامش صباح است سفیانی رامی گیرد و او را به نزد مهدی (ع) می آورد و در حالی که آن حضرت نماز عشاء را می خواند بشارت دستگیری سفیانی را به حضرت می دهد و امام نیزنماز را زودتر پایان برده و خارج می شود, سفیانی در حالی که عمامه اش را برگردنش بسته و می کشنداو را نزد امام می آورند و او رو به آن حضرت کرده عرض می کند: ای عموزاده ((۶۶)) بر من منت بگذارو حیاتی دوباره به من کرم فرما, من نیز شمشیری خواهم بود برای تو و با دشمنانت جهاد خواهم کردو مهدی در میان یارانش نشسته در حالی که ازعذراء باحیاتر است .

سپس می فرماید: او را رها کنید, یاران مهدی به حضرتش عرض می کنند: ای فرزند رسول خدا, آیابه او زندگی دوباره کرم می کنی در حالی که اوفرزندان رسول خدا را به شهادت رسانده است , مارا تحمل زنده دیدن او نیست .

پس امام زمان (ع) می فرماید: خودتان می دانید, با اوهر چه می خواهید انجام دهید و این در حالی است که امام سفیانی را رها کرده و او نیز گریخته است پس صباح با جماعتی به سوی او می روند و او را درکنار سدره می یابند و صباح او را به زمین زده ذبحش می کند و سرش را نزد امام می آورد, وقتی شیعیان حضرت سر دشمن بقیهٔ اللّه را می بینندفریاد به [اللّه اکبر, لا اله الا اللّه , الحمد للّه] بلند کرده شکر الهی را بجا می آورند و سپس امام (ع) دستورمی دهد تا بدن او را دفن کنند.

خود ناظرید که رحمت واسعه بقیهٔ اللهی چگونه همه چیز و همه کس را شامل است و چگونه تقاضای دشمن خودرا می پذیرد و رهایش می سازد و این در حالی است که اوعداوتی چون ابوسفیان و خباثتی چون معاویه و جنایاتی چون یزید در حق آن حضرت روا داشته است و با اینکه اصحاب حضرت از زنده بودن او اظهار ناراحتی می کنند معذلك خوددستور قتل او را نمی دهد و امر را به اصحاب واگذار می کند وبعد از آنکه او را کشتند آنچه را که جد سفیانی با پاره تن رسول خدا(ص) انجام داد و بدن پاره پاره او را برهنه بر خاك کربلاگذارد, در حق سفیانی روا نمی دارد و دستور می دهد تا بدن اورا دفن نمایند و بدین جهت همیشه این زمزمه دوستان اوست که : دوستان را کجا کنی محروم ---- تو که با دشمنان نظر داری شاید این سخن به میان آید که انتقام از دشمنان خدا که یکی ازماموریتهای آن حضرت است به چه معنی خواهد بود؟ بنابراین با کلامی پیرامون انتقام در زمان ظهور آن حضرت این نوشتار را به پایان می بریم تا مرهمی باشد بر دل دوستان وزخمی بر جگر دشمنان .

فصل سوم فرجام کار فرجام کفر و نفاق از ابتدای خلقت و از زمان فرزندان حضرت آدم (ع)شیطان و حزب او در اکثریت و خط انبیاء در اقلیت بوده است ,بنابراین بدیهی است که جنایتکاران آنچه در توان داشته باشنددر کوبیدن و نابود ساختن راه حق به کار زده و در طول تاریخ خونها ریخته و ظلمها نموده اند و همیشه صبر رویه مؤمنان بوده و هست و این تنها تاکتیك آنها در حفظ این خط سبز بوده که توانسته اند در طول تاریخ از همه جریانات با وجود تمام دشمنها و دشمنیها سرافراز بیرون آیند و به همین خاطر صبرانبیاء و اولیاء اسطوره تاریخ گردیده و بر تارك افتخارات انسانی می درخشد و همچون چراغی روشنی بخش کوره راههاست .

از آنجا که جزای محسنان و نیکوکاران در آخرت تدارك گردیده و این دنیا گنجایش ثواب آنها را ندارد عقوبت ظالمان نیز چنین است , اما خداوند وعده فرموده که در دنیا نیز قلبهای شکسته مؤمنان را شفا دهد و دلهای سوزانشان را مرهم نهد و از این روست که اعتقاد به منجی جهانی و مصلح کل در تمام ملل وادیان دیده می شود و همگان بشارت ظهور مردی را می دهندکه

زمین را تطهیر می کنـد و دوران سیاه و ننگبار ظالمان راخاتمه می بخشد, و این امید است که چون قنـدیلـی در میان سـینه مؤمنان آویزان و خیره به نورش ظلمت شب را پشت سرمی گذارنـد و با حـرارتـش سـردی دسـتان ظلم و بیـداد را تحمل می کننـد, و آن هنگـام که بزرگترین پیـامبر الهی رسـول اکـرم (ص)بـر بـلـنـدای منبر تبلیغ قـدم نهـاد و بزرگترین رسـالت رسولان راابلاغ فرمود و چشمان طمع خیز را به تیر یـاس هـدف گرفت وسروش [فهـذا علی مولاـه] سـر داد, جانهـای سوخته انتظار را روح دمیـد و دلهای مدهوش یار را بی قرار کرد و چشمان دوخته به راه را برق نگاه بخشید و حقانیت راه خود را به حق جویان چنین اثبات نمود که : الا ان خـاتـم الائمـهٔ مـنـا الـقـائم الـمـهـدی (ع), الا انـه ظـاهـر عـلی الدین کله , الا انه المنتقم من الظالمین .

((۶۷)) بدرستی که آخرین امام از ما مهدی قائم است , آگاه باشید او دین خدا را ظاهر می کند و از ظالمان انتقام می کشد.

یعنی ای منتظران طول تاریخ و ای چشم براهان مصلح ,آنکه را هزاران سال دیده به راهش دارید و آنـکـه کـلمه توحید راظاهر می کنـد و آنکه انتقام شـما را می سـتاند و آنکه پیغمبران مژده آمـدنش را داده انـد و شـمـا بـر راهش نشسـته ایـد او آخرین پرچمدار نهضتی است که شما را به آن می خوانم و آخرین امامی است که علی (ع) اولین آنهاست .

آن حضـرت با این بشارت نه تنها حقانیت راه خویش را بیان می کند بلکه منتظران جهان را به دامن اسـلام مـی کـشـد ودلـسوخته گـان زمان را که چشم به راه منتقم می سوزنـد نویـدنزدیکی ظهور می بخشـد و فرا رسـیدن روز انتقام را مژده می دهـد و چنین می فرماید: الا انه قاتل کل قبیلهٔ من اهل الشرک , الا انه مدرک بکل ثار من اولیاء اللّه .

((۶۸)) آگـاه بـاشـیـد کـه او تمام قبایل و گروه های شرک راخواهد کشت و انتقام خون دوستان خدا را خواهدگرفت .

و البـته از این سـخنان می توان دریافت که آن حضـرت شـعله مرگ به جان که می افروزد و به شـرار قهر که را می سوزدهمانگونه که در دعای ندبه نیز منتظرانش این چنین او رامی خوانند: ایـن الـمـعـد لقطع دابر الظلمهٔ .. .

این المرتجی لازالهٔ الجور والعدوان , این قاصم شوکهٔ المعتدین , ایـن هـادم ابـنیهٔ الشـرک والنفاق , این مبید اهل الفسوق والعصـیان والطغیان , این حاصـد فروع الغی والـشـقـاق ,ایـن طـامس آثار الزیغ والاهواء, این قاطع حبائل الکـذب والافتراء, این مبید اهل العتاهٔ والمردهٔ , این مستاصل اهل العناد والتضلیل والالحاد. ((۶۹)) کجاست آنکه آماده شده برای شکستن پشت ظالمان .

. .

و کجاست آنکه امید است که جور ودشـمنی را براندازد, و کجاست شـکننده شوکت سرکشان , و کجاست ویرانگر کاخ شرک و دوروئی , و کـجـاسـت آنکه ریشه اهل فسق و گناه و سرکشـی رامی کنـد و شاخه های گمراهی و شـقاوت را قطع می کنـد و آثار کجیها را از بین می برد و ریسمانهای دروغ و بهتان را قطع می کند و ریشه اهل طغیان وعناد و الحاد را از جای می کند.

وجود مقدس حضـرت بقیهٔ اللّه ارواحنا فداه با ظالمان وطاغیان سرسازش ندارند و اسباب گمراهی و ضـلالـت را نـیـز ازبین می برند و بنیـان دوروئی و نفـاق را خراب می سازنـد و هرکس که در برابر اقـدامات مصـلحانه اش بایسـتد هلاـک می کنـد تا بااز بین رفتن مفسدان جامعه بقیه مردم به صلاح و فلاح برسند.

حضـرت امام محمـد باقر(ع) می فرمایند: اذا قـام الـمـهـدی سـار الـی الـکـوفـهٔ فـیـخرج منها بضـعهٔ عشـر الف نفس یدعون البتریهٔ , علیهم السلاح ,فیقولون له : ارجع من حیث جئت ما لنا فی بنی فاطمهٔ من حاجهٔ , فیضع السیف فیهم حتی یاتی علی آخرهم ثم یدخل الکوفهٔ فیقتل فیها کل منافق مرتاب ویهدم قصورها ویقتل مقاتلیها حتی یرضی اللّه عزوجل .

((۷۰)) آنـگـاه کـه قـائم مـا قیام می کنـد به سوی کوفه حرکت خواهـد کرد پس از کوفه ده هزار نفر مسلح خارج می شوند که از فرقه بتریه هسـتند و به او می گوینـد:از همـان جـا که آمـده ای بـاز گرد که مـا را بـه فـرزنـدان فـاطمه حاجتی نیست , در این هنگام شمشیر بر آنهـامی کشـد تـا آنکه تمـام آنهـا را هلاـک مـی سـازد سـپـس داخـل کـوفه می گردد و هر منافق مرتابی را می کشـد وکاخهای آنها را خراب می سازد و هر که با آن حضرت بجنگد هلاک خواهد فرمود تا آنکه خداوند عزوجل خشنود گردد.

و از این روایت و نظائر آن مخالفان حضرتش به خوبی شناسائی می شوند که عمدهٔ منافقانی هستند که تظاهر به اسلام کرده اما در باطن با حقیقت اسلام مخالفند و بلکه خودصاحب ادعا بوده و حاجتی نیز به آن حضرت نمی بینند.

انتقام خون شهیدان همان طور که اشاره کردیم یکی دیگر از هدفهای آن حضرت گرفتن انتقام خون اولیاء خداست که در خطبه غدیر ازپیامبر اکرم (ص) نقل شد که حضرت فرمودند: الا انه مدرک بکل ثار من اولیاء اللّه .

آگاه باشید مهدی خون تمام دوستان خدا را که انتقام گرفته نشده است تقاص می کند.

و باز در فقره ای از دعای ندبه او را چنین یاد می کنیم : این الطالب بذحول الانبیاء وابناء الانبیاء, این الطالب بدم المقتول بکربلاء. ((۷۱)) کجاست آنکه خون انبیاء و فرزندان انبیاء را انتقام می گیرد, کجاست آنکه خون کشته در کربلا را انتقام می کشد.

و روایات زیادی از ائمه هدی (ع) به ما رسیده است مبنی بر انتقام کشیدن آن حضرت از قاتلان جدش ابا عبداللّه (ع) و هرآنکه به عمل آنها راضی است و اینجا به قسمتی از زیارت عاشورای ابا عبداللّه الحسین (ع) اشاره می کنیم که می فرماید: فاسئل اللّه .

. .

ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصورمن اهل بیت محمد صلی اللّه علیه وآله .

((۷۲)) پس می خواهم از خداوند .

. .

اینکه روزی من گرداندخونخواهی تو را در حالی که همراه امام یاری شده از آل محمد(ص) باشم .

و حضرت امام صادق (ع) در ذیل آیه شریفه (ومن قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانافلایسرف فی القتل). ((۷۳)) و هر کس که کشته شود ما برای ولی او سلطنت قراردادیم پس اسراف و زیاده روی در قتل نیست .

می فرمایند: ذلک قائم آل محمد(ص), یخرج فیقتل بدم الحسین بن علی (ع) فلو قتل اهل الارض لم یکن مسرفا.

ثم قال : یقتل واللّه ذراری قتلهٔ الحسین (ع) بفعال آبائها. ((۷۴)) این آیه برای قائم آل محمد است که چون خارج شود به خونخواهی حسین بن علی (ع) برمی خیزدپس اگر تمام اهل زمین را بکشد زیاده روی نکرده است .

سپس فرمود: بخدا سوگند, فرزندان قاتلان حسین (ع) را خواهد کشت به خاطر عمل پدرهایشان .

و در بعضی روایات راز کشته شدن فرزندان به خاطرعملکرد پدران را رضایت آنان بر چنین جنایت بزرگی عنوان فرموده اند.

حضرت امام رضا علیه آلاف التحیهٔ والثناء می فرمایند: .

. .

ذراری قتلهٔ الحسین (ع) یرضون بفعال آبائهم ویفتخرون بها ومن رضی شیئا کان کمن اتاه , ولو ان رجلا قتل بالمشرق فرضی بقتله رجل فی المغرب لکان الراضی عند اللّه عزوجل شریک القاتل وانمایقتلهم القائم (ع) اذا خرج لرضاهم بفعال آبائهم . ((۷۵)) .

. .

فرزندان قاتلین امام حسین (ع) از کرده پدران خود خشنودند و به آن افتخار می کنند و هر کس به چیزی راضی شود مانند کسی است که آن را انجام داده است و از این جهت اگر مردی در مشرق زمین کشته شود و در مغرب زمین دیگری بر آن قتل راضی باشد نزد خداوند شریک قاتل است وحضرت قائم (ع) فرزندان آنها را هنگام ظهورش می کشد به خاطر رضایتشان از عملکرد پدران .

در آن زمان بسیاری از افراد به گناهانی عقوبت می شوند که هرگز آن را انجام نداده اند و صرفا به خاطر رضایت بر آن عمل و یا

افتخار به عامل آن جنایت , مؤاخذه خواهند شد.

دزدان خدا و نیز یکی دیگر از حرکتهای زیبای امام عصر ارواحنا فداه در قیام مصلحانه اش معرفی و رسوا نمودن خائنان به بیت المال و اجراء حد بر آنهاست که این نیز نقطه عطفی در این حرکت الهی است .

آن حضرت افرادی را که با چهره تقدس اموال فقرا و مساکین وسائر شئون مردم را چپاول می کنند معرفی و رسوا نموده و حدبر آنها جاری می سازد, نمونه ای از این برخورد را حضرت امام صادق (ع) بیان می فرمایند: اما ان قائمنا(ع) لو قد قام لاخذ بنی شیبهٔ وقطع ایدیهم وطاف بهم وقال : هؤلاء سراق اللّه .

((۷۶)) آگاه باشید هر گاه قائم ما قیام کند بنی شیبه رادستگیر کرده و دستان آنها را قطع می کند و آنان رادر بین مردم گردانده و می فرماید: اینها دزدان خداهستند.

این حرکت حضرت صرفا برای اجراء حد بر یک دزدنیست و بلکه انگیزه دیگری نیز در آن به چشم می خورد و آن معرفی افرادی است که در طول تاریخ اسلام و بلکه قبل از آن به عنوان کلیدداری و خدمت به کعبه و خانه خدا هدایا ونذورات و موقوفات کعبه و بلکه اموال زائران خانه خدا را باعناوینی به ظاهر خوب جمع نموده و صرف خواسته های خود می کنند و از این جهت امام (ع) نیز آنان را با عنوان دزدان خدا معرفی می فرماید.

سرانجام ناصبیان و باز از مهمترین و قاطعانه ترین اقدامات حضرت بقیهٔ اللّه ارواحنا فداه برخورد شدید با دشمنان ولایت است بلکه در این موارد می توان سختترین عملکردها و شدیدترین واکنشها را درحکومت جهانی آن حضرت مشاهده نمود, آن امامی که درتمام موارد رافتش بیشتر جلوه می کرد و رحمتش بر غضبش سبقت می جست گوئی اینان آن قدر بی ارزشند که حتی درمعنای شی ء بودن نیز نمی گنجند تا [وسعت رحمته کل شی ء]آنان را دربرگیرد و چنان دست بر قبضه شمشیر می کند که گوئی قهر الهی به جوش آمده و هیچ چیز را یارای مقابله اش نیست واو در این باب هیچ عذری را نمی پذیرد و هیچ بهانه ای را قبول نمی کند مگر آنکه از جرگه دشمنان خارج شوند و به زمره دوستان درآیند.

حضرت امام محمد باقر(ع) می فرمایند: اذا قام القائم عرض الایمان علی کل ناصب , فان دخل فیه بحقیقهٔ والا ضرب عنقه او یؤدی الجزیهٔ کما یؤدیها الیوم اهل الذمهٔ ویشد علی وسطه الهمیان ویخرجهم من الامصار الی السواد. ((۷۷)) آنگاه که قائم (ع) قیام می نماید ایمان را بر ناصبیان عرضه می کند پس اگر حقیقتا ایمان در قلبهایشان داخل شد - که خوب - و الا گردن آنها را خواهدزد یا آنکه جریمه سالیانه بر آنها می بندد همانگونه که الان غیر مسلمانها می پردازند و بر کمرش همیان می بندد و از شهرها او را به سوی بیابانها اخراج می نماید.

حکومت امام زمان ارواحنا فداه حکومت ولایت است و غیر اهل ولاء در آن حکومت محل و منزلتی ندارد و از این حدیث نیزاین نکته به خوبی روشن می شود که آن حضرت بر ناصبیان که دشمنی و عداوت با اهل بیت و شیعیانشان را جزءضروری ترین احکام دین می دانند و نعوذ باللّه به ائمه هدی (ع)اهانت و جسارت می کنند, ایمان حقیقی را عرضه می دارد که منظور از ایمان در لسان ائمه معصومین (ع) همان اسلام کامل است که در غدیر خم و بلکه از ابتدای رسالت پیامبر اکرم (ص)آن را تبلیغ فرمود و بعد از جریان غدیرخم و معرفی امیرمؤمنان و ائمه هدی (ع) خداوند این آیه شریفه را نازل فرمود: (الیوم اءکملت لکم دینکم واءتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم الا سلا م دینا). ((۷۸)) امروز (روز غدیر خم) دینتان را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و از اسلام به عنوان دین شماراضی شدم .

اما با این وجود روایتی از حضرت امام صادق (ع) رسیده است که به عرضه ولایت توسط امام زمان ارواحنا فداه تصریح می فرماید و آن در ذیل این آیه شریفه وارد شده است : (وعباد الرحمن الذین یمشون علی الا رض هونا -الی قوله تعالی - حسنت مستقرا ومقاما). ((۷۹)) عباد الرحمان آن کسانی هستند که بر روی زمین سرافکنده راه می روند - تا آنجای کلام الهی - نیکوجایگاه و

مقامی است آنجا.

حضرت امام صادق فرمودند: هم الاوصیاء یمشون علی الارض هونا فاذا قام القائم (ع) عرضوا کل ناصب علیه , فان اقر بالاسلام وهی الولایة والا ضربت عنقه او اقر بالجزیة فاداهاکما یؤدی اهل الذمة .

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹